

میرزا حسن بیگ جنابذی

و کتاب روضه الصفویه

• بهروز نوروززاده چگینی

■ روضه الصفویه

■ میرزا حسن بیگ جنابذی

■ به کوشش غلامرضا مجد طباطبایی

■ بنیاد موقوفات دکتر ایرج افشار

تاریخ دوره صفویان و به طور کلی تاریخ ایران هنوز برای ایرانیان آن گونه که باید شناسانده نشده است. عوامل چندی را می توان در این مسأله دخیل دانست. نابودی و پراکندگی برخی از منابع مکتوب در اثر حملات اعراب، مغول و تاتار، افغان ها و روس ها و عثمانی ها و در نهایت خروج بسیاری از مایع مکتوب و نسخه های خطی نفیس توسط اروپاییان و دیگران که باعث پراکندگی منابع تاریخی موجود شده است؛ را می توان برشمرد. بالتبع در طی روندی روبه رشد گردآوری این مجموعه ها و تصحیح و نشر این آثار می تواند به بازنویسی و تدوین هویت تاریخی کشور بیانجامد و البته این مهم میسر نخواهد بود مگر با اهتمام تمام علاقمندان به تاریخ این مرز و بوم. و در این راستا نگاه به منابع مکتوب تاریخی و سفرنامه های اروپاییان و ترجمه این کتاب ها را نباید از نظر دور داشت.

مشکل دیگر پیش رو، انگاشتن کتاب های خطی به عنوان صرف میراث فرهنگی (چون یک اثر موزه ای یا شخصی) و عدم دسترسی آسان و کامل به این مجموعه هاست. با توجه به مشکلات ذکر شده، بررسی و نقد این آثار نه به صورت جامع؛ بلکه به صورت نسبی انجام شده و کاملاً بیانگر محتوای یک اثر مکتوب، دلایل و انگیزه های ایجاد آن نیست، هر چند که به نوبه خود خالی از ارزش نبوده و می تواند گامی مؤثر در رسیدن به هویت تاریخی مستند و پیرایش شده برای کشور ایران باشد.

متن چاپی کتاب روضه الصفویه

کوشش مصحح محترم آقای غلامرضا طباطبایی مجد در تصحیح کتاب روضه الصفویه بر پایه چهار نسخه خطی موجود در کتابخانه های لالا اسماعیل ترکیه، دانشگاه تهران، کتابخانه ملی تهران و کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد صورت گرفته است، قابل تقدیر است. خصوصاً اهتمام بنیاد موقوفات دکتر افشار که به عنوان یک حامی برای چاپ متون و نسخ خطی با ارزش درآمده است.

متن چاپی با پیشگفتار مصحح محترم آغاز می شود که به ترتیب درباره ی شخصیت فرهنگی و جهان بینی مؤلف / ارزش تاریخی کتاب روضه الصفویه، ارزش ادبی و سبک نگارش روضه الصفویه، روضه الصفویه آئینه دوره صفوی، روش کار تصحیح کتاب و نسخ مورد استفاده در

تصحیح متن (همراه با تصاویری از نسخ خطی استفاده شده) صحبت می‌کند. در بخشی مجزا نیز مؤلف با توجه به نقد استاد گلچین معانی بر کتاب روضه‌الصفویه به توضیح درباره‌ی مؤلف روضه‌الصفویه و بری بودن مؤلف روضه‌الصفویه از کپی‌برداری از کتبی چون صفوه‌الصفای ابن بزاز و احسن‌التواریخ حسن بیگ روملو پرداخته است.

درباره بحث اخیر مصحح به یقین نمی‌توان گفت که برخی مطالب روضه‌الصفویه یک نوع نسخه‌برداری از دیگر آثار بوده است یا نه؟ با نگاهی به تاریخ دوره صفوی می‌بینیم که اکثر مورخان دوره صفوی به نحوی وابسته به دربار شاهی بوده‌اند و منابع اطلاعاتی آنها در یک مورد مشترک، دفاتر و اسناد دیوانی و درباری بوده است و این می‌تواند در مواردی به ایجاد تشابه و یکسانی در مطالب موجود منتهی شده باشد.

زندگانی مؤلف

میرزا بیگ حسن بن حسینی جنابذی نویسنده و مورخ دوران شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هجری قمری) است. از زندگی مؤلف اطلاع خاصی در دست نیست مگر تألیف کتاب روضه‌الصفویه و اشاراتی چند که در کتاب روضه‌الصفویه از او دیده می‌شود.

در چند جای کتاب می‌بینیم که مؤلف در سفرهای شاه و همراه سپاه بوده و این می‌رساند که او در مواقعی جزو مورخان دربار شاهی بوده است. در سال ۱۰۱۴ هجری قمری مؤلف همراه پادشاه عباس اول صفوی

در مصاف با چغال اوغلی سردار سپاه روم (عثمانی) در آذربایجان بوده و در این باره چنین می‌آورد:

«حاوی این واردات میرزا بیگ گنابادی در حین این واقعه محشر نهیب به حسب اتفاق و تقاضای نصب موافق موکب همایون بوده آنچه از روی مشاهده و به نظر امعان درآورده در سلک تقریر منتظم می‌گردانید...» (۷۸۳) مؤلف در بخش پایانی کتاب که صحت‌نامه تألیف کتاب است اشاره می‌کند که در سفر جنگی شاه عباس اول برای تسخیر آذربایجان در رکاب شاه بوده است.

«... در زمان پادشاهی این پادشاه... اکثر احوالات مشاهده نموده و در اکثر معارک، خصوصاً در تسخیر آذربایجان، موافق بوده و آن چه به مشاهده دیده مثبت گردانید...» (۹۰۳)

در سال ۱۰۲۰ هجری قمری نیز مؤلف در قرارگاه مصالحه میان شاه عباس و سپاه روم (عثمانی) در شهر تبریز حاضر بوده است.

وی در این باره چنین می‌نویسد: «مؤلف این اخبار در حین رسالت ملازمان صدارت و رفاقت آن دو علم متبحر در درالسلطنه تبریز در موکب جهانگرد پادشاه ایران به حسب اتفاق و نصیب وارد بوم و از جذاب مولانا سلطان حسین امری عجیب استماع نموده...» (۸۳۷)

و در اشاره‌های دیگر در کتاب، مؤلف می‌نویسد که در شهر شیراز ملازمت خواجه محمدرضای قزوین ملقب به ساروخواجه راه داشته است. (۷۳۰) مؤلف در چند جای کتاب نیز از همشهریان خود که در دربار صفوی دارای منصب و مقام منجمی دربار بوده‌اند، نام برده است. از جمله مولانا مظفر منجم جنابذی منجم خاصه شریفه شاه عباس اول صفوی (۸۵۲، ۸۴۱، ۸۴۰) و نیز پسر او مولانا محمد شفیع منجم (۸۷۰ و ۸۶۹)

علت تألیف کتاب

مؤلف در مقدمه مفصل خود بر کتابش درباره‌ی علت تألیف کتاب چنین می‌نویسد: «... فقیر منکسر البال میرزا بیگ بن الحسن الحسینی الجنابذی اوقات محفوف به اقامت بزم باده نوشان معانی ریزه چین خوان حکمیات غریب آثار بوده و گاهی در رشته جوهریان سخن دستفروش عقود لالی اشعار، اما در این دو فن خود را آن مقدار استعداد نمی‌دانست که با تألیف نسخه‌ای بپردازد که به وسیله‌ی آن گاهی به خاطر عاطر بزم فروزان محفل انصاف گذرد و گاهی هدف تیر حاسدان پرلاف گردد، ولی چون سیر و اخبار پیشینیان مستغنی از استعدادی وافی و استکمالی کافی است؛ چه به مجرد حفظ نواذر حکایات که از آثار سلف بر صفحه روزگار مانده و قدرت بر ترکیب الفاظ و استعارات معانی که آن نیز نتیجه فهم ارباب شعر و انشاست، این معنی از شیمه عدم به صحرای وجود جلوه می‌نماید، به خاطر فاتر رسید که در سیر نسخه‌ای بپردازد و احوال قدسی مال سلاطین ابد قرین علیه علویه صفویه... ادا نماید و آن را به روضه‌الصفویه موسوم گرداند و ایضا وسیله عنایت و احسان شهنشاه سلیمان رتبتی سازد...»

وی با فروتنی نسبت به پیشینیان و نیز رعایت حزم و احتیاط در نگارش مطالب که مبادا باعث ایجاد دردسر برای او گردد، می‌گوید که کتاب را در



چهل ستون - اصفهان - دوره‌ی صفوی

محدوده زمانی نگارش کتاب روضه الصفویه طبق نوشته مؤلف از ابتدای ظهور شاه اسماعیل اول صفوی تا سال ۱۰۳۶ هجری قمری، سال سی و هشتم سلطنت شاه عباس اول صفوی را دربرمی‌گیرد

میرزا حسن

تاریخ شاه طهماسب خواجه محمود بن خواند میر، حبیب‌السیر خواند میر (۳۴۷)، و نیز شنیده‌ها و روایاتی که از دیگران و آگاهان می‌شنیده است. با توجه به متن کتاب می‌توان ملاحظات زیر را در کتاب مشاهده کرد: الف: نوع نگاه مؤلف به منابع تاریخی معاصر خود با توجه به نوع نگرش مذهبی او. می‌توان به کتاب‌های بسیاری اشاره کرد که مؤلف از نگاه به آن‌ها خودداری کرده است. کتاب‌هایی نظیر: تاریخ عالم آرای عباسی اثر اسکندر بیگ ترکمان که معاصر مؤلف نیز بوده است - دیگر تاریخ لب التواریخ امیر یحیی عبداللطیف سیفی قزوینی - تکمله الاخبار اثر عبدی بیگ نوپدی شیرازی - احسن التواریخ اثر حسن بیگ روملو - نقاوه الآثار محمد بن افوشته‌ای نطنزی - خلاصه التواریخ اثر منشی احمد قمی، خلاصه السیر اثر محمد معصوم، تاریخ عباسی اثر جلال‌الدین محمد منجم یزدی و... ج: عدم تحریف وقایع تاریخی. مؤلف با استفاده از شیوه نگارش خود به صورتی که اصل واقعه تاریخی تحریف نشود؛ با عبارت پردازی خود ضمن درج اصل واقعه، محض احتیاط مواردی را نیز حذف کرده است. بدیهی است در نگارش چنین تاریخ‌هایی که عمدتاً بنابر سفارش دربار انجام می‌شده یا محض خوش خدمتی به دربار؛ می‌بایست وقایع به صورتی که خواسته‌اند نگارش یافته باشد.

مؤلف روضه الصفویه در شرح برخی از قتل‌های زمان شاه عباس به روشنی خصوصیات شاه عباس اول صفوی را نقل می‌کند. واقعه قتل مرشد قلی خان که پایه و اساس به شاهی شاه عباس اول صفوی است و قتل ناجوانمردانه او به امر شاه عباس از دید مؤلف دور نمانده است و مؤلف علی‌رغم طرفداری ظاهری از شاه عباس، و بیان برخی از علت‌های قتل مرشد قلی خان، از بیان خصوصیات مرشد قلی خان چشم‌پوشی نمی‌کند. در وقایع جلوس ثانی شاه عباس در قزوین درباره مرشد قلی خان چنین آورده: «از ساربان زاده مراد ایشان مرشد قلیخان بوده؛ چه یکی از آبای وی در زمان پادشاه جلیل شاه اسمعیل از رتبه ساربانی به واسطه شجاعت و اقدام بر مخاطره به رتبه ارجمند امارت فایز گشته بود.» (۶۶۹) مؤلف در جای دیگری می‌آورد: «اما مرشد قلی خان بعد از سرانجام این مهم بنابر آن که خود را اله و رائق فائق امور خلافت می‌دانست اکثر اوقات اقدام بر اموری می‌نمود که نه بر وفق و رضایت پادشاه زمان می‌بود. بیشتر مقتضیات طبیعت همایون را منع می‌فرمودی و بعد از مبالغه و خواهش بسیار... سامان می‌دادی. چون جود و سخای جبلتی پادشاه... شخصی را

حفظ حکایات تاریخی و ترکیب آن‌ها در ایجاد یک تاریخ مدون مدنظر داشته است. مؤلف در ادامه از موانعی که بر سر راه او بوده و مدتی او را از شروع به انجام این کار منع می‌کرده نیز سخن گفته است که نشانه دوراندیشی او در انتخاب و درج مطالبی است که می‌بایست در تألیف اثر به کار رود. وی در این باره چنین می‌نویسد: «لیکن هرگاه... خواست که به دستیاری بنان و وساطت خامه دو زبان اندکی از آن اخبار و جواهر آن آثار را در رشته تحریر و سلک تقریر انتظام دهد، شحنه حادثه در آن زاویه، به تهییج وسوسه، گاهی به رسن حزن و اندوه گردن امل برمی‌بست و گاهی به چوب آشوب و فتنه پشت و پهلوی اندیشه می‌شکست... القصة عمری اوقات تیره بدین وتیره گذران بود که ناگهان از سروش غیب به گوش هوشم رسید که زیاده از این آن در گرانمایه را در صدف اختفا مدار... پس از استماع این مقالات، بر یاد آن کعبه مراد، کمیت قلم وفا رقم را در مضمار بیان به جلوه درآورده روز بروز آن چه در موقف مصیب نصیب این بی نصیب بود از حیز قوت به صحیفه بیان و فعلیت مثبت می‌گردانید...»

محدوده زمانی نگارش کتاب روضه الصفویه طبق نوشته مؤلف از ابتدای ظهور شاه اسماعیل اول صفوی تا سال ۱۰۳۶ هجری قمری، سال سی و هشتم سلطنت شاه عباس اول صفوی را دربرمی‌گیرد.

متن کتاب و شیوهی نگارش متن

متن کتاب به زندگانی پنج پادشاه دوره صفوی شاه اسماعیل اول ۹۳۰-۹۳۰ / شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هجری قمری)، شاه اسماعیل ثانی (۹۸۴-۹۸۵ هجری قمری)، شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ هجری قمری)، شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هجری قمری) تا سال ۱۰۳۶ هجری قمری می‌پردازد. از حیث محتوای متن و تقسیمات می‌بینیم بخش مربوط به شاه اسماعیل اول حاوی ۲۹۷ صفحه شاه عباس اول ۲۳۶ صفحه شاه طهماسب اول ۲۱۱ صفحه سلطان محمد خدابنده ۷۷ صفحه و شاه اسماعیل ثانی ۱۵ صفحه را دربر گرفته‌اند.

مؤلف در پایان کتاب در مبحثی به نام صحت روایات کتاب به منابع و مأخذ کتاب اشاره کرده است. (۹۰۲-۹۰۳). کتاب‌های مورد استفاده مؤلف که در متن به آن اشاره شده کتاب صفوه الصفای ابن بزاز (۷۸، ۷۳)، تاریخ جهان ارا قاضی احمد غفاری قزوینی (م ۹۷۵ هجری قمری) (۵۵۱، ۱۵۳)،

نوازشی فرمودی در اتصال آن کوشش نمودی و گاهی به دفع الوقت آن شخص را مایوس گردانیده خجالت از این ممر به آن سپهر کرم رسانیدی و دیگر از مخالطت و مجالست کسانی که به طبیعت و سن به تقارب آن شهیار زمان بودند آن پادشاه را منع فرمودی. چون به صید و شکار و سیر دشت و کوهسار طبیعت همایون... میل نمودی دست رد بر سینه اراده مطلب آن خلاصه اولاد زده بدین سبب رنجه خاطر مهر مآثرش گشتی... (۶۷۴)

و در ادامه می‌بینیم در حین محاصره هرات شاه با همکاری چهار تن از امرا از قبایل مختلف، شبانه دستور قتل مرشد قلی خان را می‌دهد. (۶۶۷-۶۷۴)

در شرح وقایع فرستادن یعقوب خان ذوالقدر به ایالت فارس و سپس قتل او به سال ۹۹۷ هجری قمری می‌خوانیم: «... و چون بر سریر فرماندهی متمکن گردید، نخست امرای ذوالقدر را جمع آورده همگان را به اقطاع و فراخور استعداد خوشوقت و متهیج گردانید. با رعایا و زیردستان سلوک و آداب نیکو پیش گرفته دست تعدی ظلمه به تیغ از گریبان مظلومات و درویشان فارس منقطع گردانید. جمیع امور اخلاق حسنه شعار خویش ساخته موباید انعام بر خواص و عوام مبسوط داشت...» (۷۰۷)

اما پس از اینکه اوضاع ولایت فارس به دست یعقوب خان ذوالقدر انتظام می‌گیرد، می‌بینیم شاه به قصد تنبیه یعقوب خان ذوالقدر وارد فارس شده و سپس او را دستگیر به قتل می‌رساند. مؤلف در این باره چنین آورده است: «در آن ملاقات چندان مباسطت و التفات به ظهور رسانید که یعقوب خان را بر حرمان ملازمت سابق متأسف گردانید. در وقت مراجعت در رکاب... پادشاه ایران سرفراز بود. در آن حین شیارزهای از ادانی و عالی به مراسم استقبال قیام می‌نمودند و همگان به دعا ستایش یعقوب خان زبان گشوده به محمدمت و ثنای پادشاه زمان التفات نمی‌فرمودند. از این جهت نایره غضب اثیر لهب اشتعال یافته نزدیک به آن رسیده بود که قتل عام رعایای شیراز از مصدر غضب به صدور انجامد. اما چون این بی‌رسمی از اراذیل سوق و رجاله آن شهر به ظهور آمده بود و اعیان را در این باب دخلی نبود وجود عامه را وقتی نگذاشتند و از سوء ادب و از سرگناه آن جماعت تجاوز نمودند.» (۷۱۹-۷۲۰)

نکته قابل توجه به این سخنان خصوصیات شخصی شاه عباس اول است، چون دوری از طبقه عامه و توجه به اشراف و اعیان، حسادت به افرادی چون یعقوب خان ذوالقدر که مؤلف در جایی از مهربانی و توجه او با مردم شیراز سخن می‌گوید و در ادامه تنها به علت کینه شاه عباس و سعایت بدخواهان موجبات دستگیری و قتل او فراهم می‌شود و جالب اینکه در این حین هم مؤلف توجه و حمایت مردم شیراز از یعقوب خان و بی‌توجهی مردم به شاه را از قلم نینداخته است.

د: درج مشاهدات شخصی خویش در سفرهایی که در رکاب شاه بوده است (۹۰۳، ۸۳۷، ۷۸۳)

هن بهره‌گیری از شنیده‌ها و روایات و کاربرد آن‌ها با توجه به صحت یا عدم صحت آن‌ها. (۷۱۱) این شنیده‌ها و مسموعات گاه در بخش دوم کتاب که مربوط به دوره زمانی ۹۹۶ هجری قمری تا سال ۱۰۳۶ هجری

قمری سال خاتمه وقایع کتاب است، به چشم می‌خورد (۸۶۲، ۸۷۳، ۶۹۵، ۶۹۳، ۶۹۲، ۶۳۳، ۴۴۸، ۱۲۷، ۳۹۱). گاه نیز مؤلف درباره برخی حوادث که یقین بر صحت آن نداشتند و یا به علل دیگر، به ذکر چند روایت از یک رویداد می‌پردازد. (۷۱۱، ۵۸۷).

ویژگی‌های متن

به گفته مصحح محترم کتاب روضه‌الصفویه مجموعه‌ای است از تصویرهای زنده رویدادها، طرز زندگی مردم، میدان‌های رزم و بزم، بیان تدبیرهای کشورداری و لشکرآرایی سلاطین و سرداران صفوی، گزارشی دقیق و مفصل از بعضی سنن و آداب مرسوم آن روزگار. کتابی آمیخته از لغات ترکی و مغولی و با نثری متکلفانه همراه با عبارات توصیفی معین. (۲۶، ۲۵)

باری ویژگی‌های متن کتاب روضه‌الصفویه را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف: آرایش‌های ادبی: کتاب دارای نثری سنگین و آمیخته به انواع آرایش‌های ادبی، عبارت‌پردازی، کاربرد جملات طولانی، اصطلاحات و احادیث، امثال و آیات قرآنی است. این مهم اگرچه خواننده را در زمان حاضر با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند ولی در عین حال می‌تواند گوشه‌ای از ویژگی‌های ادبی آن عصر را برای ما روشن کند.

ب: ویژگی‌های دربار صفوی: منصب‌ها و عنوان‌ها، خلعت‌ها، القاب، رتبه‌ها و دیگر مناصب خاص درباری را می‌توان از ویژگی‌هایی دانست که در کتاب روضه‌الصفویه به چشم می‌خورد و برخی از آن‌ها تنها مختص همین کتاب است. این اشارات هر چند جزئی و مختصر هستند اما می‌تواند به نوبه خود در پیوند دادن برخی زوایای ناشناخته درباره‌ی خصوصیات دربار سلسله صفویه به ما کمک کند.

مرتبه خانی (۸۸۹، ۵۴۷، ۴۰۳، ۳۲۲) سلطانی (۸۸۹، ۳۹۴، ۳۳۱) مرتبه خلیفه‌الخلافتی (۲۱۳) لقب شاهرخ خانی (۴۳۵) لقب همیشه دوست (۵۶۹) لقب خوش‌خبر خان (۵۹۰، ۵۸۶) لقب خانی و رقع و خلع فاخره (۳۷۲) خلع شاهوار و افسر زرنگار (۳۱۵) لقب خلیفه‌الخلافتی - با تاج زردوز و خلعت خاص و اسب تازی (۲۱۳) اعطای طبل و علم (۸۲۳) خلع شاهوار - افسر زرنگار (۳۱۵) وزیر و صاحب اختیار دیوان (۴۴۵) کاتب دفترخانه اعلی (۴۴۵) سفره چین (۴۳۰) قاپوچیان (۴۳۰) عمله کارخانجات و بیوتات (۴۳۰) غلامان خاصه. مأمور قتل و شکنجه مخالفان شاه (۸۹۵، ۸۸۹، ۸۵۲) ملازمان خاصه شریفه (۸۸۶) داروغه (۲۸) ایلچیگری (۸۷۳، ۸۷۴) کتابدار (۶۵۴) تواچیان (۲۷۴، ۸۵۶) ناظر بیوتات (۸۹۸) قول قاپی (۷۹۷) کبوترباز (۷۴۹) طغرانونیسان (۳۴۲) سوفیه (۸۵۶) منصب حجامت و صاحب‌دیوانی (ایشیگ آقاسی) (۷۳۰) قوللر آقاسی (طبل و علم و لقب خانی) (۷۱۶)، یساولان ۳۳۰ / مهتر رکابخانه خاص (۸۵۲) ریش‌سفید (۶۷۶) مشعبد - هنگامه‌گیر - نادره کار (۸۳۱) کتاب دفتر خانه همایون (۶۸۱) تبرائیان ۴۱۷ رسن باز (۷۲۰)...

ج - نیروهای نظامی در دوره صفویه: با نگاهی دقیق به جزئیات متن می‌توان به بسیاری اطلاعات دست یافت. این اطلاعات می‌تواند



پل خواجه - اصفهان - دوره‌ی صفوی

سیبیه‌ها (۷۹۵، ۷۷۳، ۷۷۲، ۶۲۵) ساخت توپ‌های عظیم، برای فتح قلعه شماخی و نیز ساخت توپ عظیم برای فتح قلعه وان (۸۰۱، ۸۰۲، ۷۴۴، ۷۷۵) زورق و سفاین و اسباب جسر و ساخت پل (۱۴۴ و ۱۳۱) قاروره نفتی (۸۰۲، ۱۷۵ و ۷۷۳) زنگ - بادلنج - تفنگ (۶۳۲) توپچیان با ارابه محمول به توپ و تفنگ (۶۳۲) جبه و جوشن و درع (۴۶۹) تیر و سنگ ۱۷۴ منجین (۱۷۵) تیغ هندی و یمانی (۱۵۱) طبل و نیبر و کوس و نقاره (۶۹۳) نردبان عریض (۶۳۴)، نردبان‌های محفوظ (۶۲۵) قعقه (۶۹۴) ساخت خندق (۷۹۹) آداب فروسیت و سلاح‌ورزی (۸۸۹) حواله - حوالات، که مثل سیبیه‌ها جیگاهی برای حفاظت سپاهیان و به منزل سنگر بوده است (۷۹۵، ۷۷۳، ۷۷۲، ۶۲۵) توپچیان خراسان و اصفهان و مازندران و شیراز (۸۰۱) برانگار سپاه (۲۶۴) جرانگار ساه (۲۶۴) و...

و در برخی جای‌ها نیز مؤلف از لحاظ کمی به ذکر آمار و ارقام می‌پردازد. مؤلف در سال ۹۹۷ هجری قمری سپاه ایران را ۱۲۰ هزار سوا ذکر می‌کند (۶۷۳) وجود ۷ تا ۸ هزار توپچی در سپاه شاه عباس اول (۷۸۵) وجود دوازده هزار توپچی با عرابه محمول به توپ و تفنگ (۶۳۲) سخن از دههزار توپچی در نبرد با روم (۸۹۳) شهر تبریز با ۶۰ هزار خانه و ۶۰ هزار قزلباش بجز ارامنه (۶۲۹)

سیاست و شکنجه محکومین و مخالفان شاه در دوره صفوی

مؤلف درباره‌ی شکنجه و قتل محکومین در عصر صفوی اطلاعات جالبی به‌دست می‌دهد. محل مجازات محکومان، نوع شکنجه محکومان، اوصاف شکنجه‌گران، برخی قتل‌های سیاسی و قتل‌عام‌ها در زمان صفویه از مسائلی است که مؤلف به آن‌ها پرداخته است.

در زمینه‌های مختلف در شناخت ویژگی‌های سپاهیان و سلسله مراتب نظامی، آلات و ادوات نظامی، شیوه‌های جنگی و حيله‌های جنگی، استفاده از موسیقی نظامی در جنگ‌ها، کاربرد توپخانه و استقرار آن در قلعه‌ها و بسیاری دیگر از جزئیات محققان را یاری دهد.

پیدادگان تفنگ‌انداز (۳۳۶) پیاده توپچی (۶۶۷، ۷۱۷) توپچی‌باشی (۸۶۰) غلامان کوچک (۸۵۸) توپچیان (۸۵۸) تفنگچیان خراسان (۷۷۲) چپرهای تختی (۷۶۹) ضربه‌زن (۲۸۷) توپخانه (۴۲۲ و ۴۱۵) عرابه و توپ (۴۳۰) نیزه (۴۱۱) چوبه تیر (۴۲۷) عرابه محمول به توپ و تفنگ و بادلنج و ضربزنگ (۷۸۶، ۸۲۶) تفنگچیان (۸۱۳، ۸۲۷، ۷۹۵) عمده بیوتات و کارخانجات (۸۰۲) کمانداران، که مؤلف از سه هزار کماندار با دروع و جوشن نام می‌برد. (۷۴۴) قورچیان (۷۳۷) تفنگچیان خاصه (۷۳۷) توپچیان خراسان (۷۶۸) نقبچی، با لقب سرداری (۷۷۲، ۷۷۳) غلامان خاصه، عظیم‌الجثه و قسی القلب (۸۵۲) گروه چیگ‌بین (۷۲۴) توپچیان نورو کجور و رستمدر (۸۹۲) نوپتداران و قورچیان (۶۴۴) تفنگچی خراسان و اصفهان (۷۸۷) نجاران چابکست، برای ساخت پل و زورق و کشتی برای سپاه (۶۲۳) خمیره اندازان (۷۹۶) سوار کماندار (۵۶۶) توپچیان اصفهان و بافق (۷۸۸) توپچیان خاصه (۷۷۲) توپ عظیم (۶۲۰) تفنگ (۷۷۲، ۸۶۰) صدای کوس و نیبره و لوله کرنا و نفیر و سورن الله الله (۳۹۶) نقاره شادبانه (۳۹۱) خمیره، سبویی حاوی داروی تفنگ و فتات آهن و و سرب و سنگری و زنجیر و... (۸۵۹، ۸۶۰، ۷۷۳) / ضربزنگ (۸۵۹، ۸۲۵) گاوسر (۸۰۲) تیر (۸۰۲) زنبوره (۷۷۲) بادلیج (۸۲۶) داروی تفنگ و سرب و شوره (۸۵۷، ۸۹۸) سلاح قلعه‌گیری (۸۰۲) دروع و جواشن (۷۴۴) حيله جنگی (۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۵) کلنگ (۶۲۳) سنان (۶۲۳) اسباب قلعه‌داری (۶۲۳)

ویژگی‌های جغرافیایی در متن کتاب

آگاهی دقیق و خوب مؤلف از شهرها، دهات، قلعه‌ها و اقامت‌گاه‌ها و بیلاقات شاهی و ثبت اسامی مکان‌های جغرافیایی. مؤلف آشنایی خوبی با مکان‌های جغرافیایی در منطقه ایران و نیز مناطق مرزی ایران با همسایگان خود از جمله روم (عثمانی)، عراق، افغانستان، منطقه ارمنستان و گرجستان و آذربایجان (که البته امروزه از ایران جدا گردیده است) همسایگان ایران داشته است و در جای جای متن می‌توان به نام بسیاری از مکان‌ها برخورد کرد که نه در کتاب‌های همعصران مؤلف به آن‌ها اشاره شده و نه امروزه اثری از آن نام‌ها در دست است. امروزه می‌توان با کمک این اسامی که گاه‌ها در برخی موارد دارای توضیحاتی نیز است به مکان‌یابی تاریخی در عصر صفوی (خصوصاً در نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری) پرداخت. مکان‌هایی که به مرور زمان یا تغییر نام داده‌اند یا دچار تخریب و نابودی کامل شده و به حالت متروک و ناشناخته درآمده‌اند.

الف: توصیف قلعه‌ها و عمارات انجام شده در قلعه‌ها،

سپاهیان و سلاح‌های موجود در قلعه‌ها

برای مثال در مورد قلعه شهر تبریز، مؤلف چنین می‌نویسد: «آن‌گاه فرمان مطاعه به تخریب قلعه صادر گردیده در مدت پنج یوم از آن آثاری نگذاشتند الا دولتخانه قدیم شاه طهماسب که قلعه را محیط آن ساخته بودند.» (۷۷۰)

قلعه اسفراین، تعمیرات در قلعه به سال ۹۹۹ هجری قمری (۷۰۳-۷۰۴) قلعه هرات، تعمیر برج و بارو در عهد شاه طهماسب اول (۳۸۹) قلعه باب‌الابواب، تعمیر قلعه (۸۰۹) قلعه اصطخر فارس، تعمیر قلعه (۷۱۷) قلعه استا، وصف قلعه (۱۷۹-۱۷۷) قلعه طیس گیلکی، با ۵۰۰ قزلباش و ۳۰۰ تفنگچی (۶۹۴-۶۹۷) حصار شادمان قندز - خجند (۷۳۶) قلعه الموت، با ۳۰۰ محافظ (۶۷۲) قلعه ایروان، با ده هزار سپاهی (۷۷۰) گنجه، ساخت قلعه (۷۹۴) قلعه اولاد و کلیس، در مازندران (۳۱۸، ۳۰۵، ۳۰۴) قلعه آریز، در قهستان (۶۹۵-۶۹۴) قلعه در طیس مسینان (۶۹۵-۶۹۴) قلعه استا یا اوستا در مازندران (۱۷۹-۱۷۷، ۴۶۷) قلعه دولتیار خان، در زنجان (۷۳۱) حصار اصطخر (۱۰۷) قلعه محمد لک، در مندلی عراق (۸۹۷) قلعه بالینوس، در جبال غرستان (۸۸۳)، سور طیس (۱۸۴) قلعه خریوت (۱۹۹)، (۱۳۲) قلعه تفلیس (۷۹۷) قلعه قارص (۷۷۶) قلعه گناباد (۶۵۸)، قلعه اسفر این، تعمیرات در قلعه به سال ۹۹۹ هجری قمری (۷۰۳-۷۰۴) قلعه باب

قصاص مجرمان در محل چهارسوق (۴۰۶) آویزان کردن محکومان در تبریز از مناره نصیریه (۴۷۲) سوزاندن محکومان در میدان اصفهان (۱۸۵) پوست از بدن کندن و پوست را پر از کاه کردن و سوار کردن بر چوب (۴۶۱، ۶۹۵) توصیف مؤلف از گروه چپک بین (غلامان خاصه - عظیم‌الجثه و قسی القلب) که مأمور شکنجه و قتل محکومین و افراد خاص در عهد شاه عباس اول صفوی بوده‌اند و ذکر اعمال آن‌ها از قبیل شکنجه‌های وحشتناک، قتل و خوردن گوشت خام محکومین از جمله بینی و گوش آن‌ها. و یکی از این غلامان مأمور قتل صفی میرزا پسر شاه عباس اول بود (۸۵۲) میل کشیدن در چشمان محکومین (۸۵۲) اعدام امرای خاطی (۷۳۷) قصاص مقتول (۷۵۱) توصیف مؤلف از گروه ملک بیگ احمد خان جارچی باشی میر غضب، که دارای لباس مخصوص و تاج ۱ ذرعی بوده و مردانی قوی و کریه‌المنظر و طویل قامت بوده‌اند. (۷۲۴) توصیف گروه شیخ احمد آقا میر غضب، شامل ۵۰۰ مرد دارای لباس مخصوص قتل به هراه تاج ضخیم عمامه سرخ با پر کلنگ و عقاب بوده‌اند و قتل عام آن‌ها در فتنه کارکیا احمدخان مردم گیلان و طالش و دیلم قتل ترک و طالش و دیلم (۷۲۴) قصاص خون - در این‌جا مؤلف با زیرکی به سرانجام شیخ احمد آقا میر غضب اشاره می‌کند که پس از سال‌ها قتل عام و شکنجه مردم در موضع چالدران سزای خود را می‌بیند (۷۸۳) حبس و مثله کردن دولتیار خان و آویختن اجساد از اشجار (۷۳۲) مجازات سوراخ کردن پشت سر و زبان را از قفا در آوردن و از جهاز شتر آویختن (۶۷۷) مرشد قلی خان (ساربان زاده) توصیف مؤلف از مرشد قلی خان ولی نعمت و عامل به تخت رسیدن شاه عباس به پادشاهی و ذکر نسب او که ساربان زاده بوده است. (۶۶۹) شرح مؤلف از نحوه قتل مرشد قلی خان و توبه گرگ شاه عباس (۶۷۷) قتل امرا توسط شاه عباس (۶۷۱) قتل محکوم با بستن دوپا به دو درخت و دو پاره کردن (۷۲۵) جوشاندن سرداران ارشلو در دیگ‌های عظیم در میدان اصفهان (۷۱۳) مثله کردن و از رسن آویختن یعقوب خان حاکم شیراز در سال ۹۹۸ هجری قمری (۷۲۰) قتل شاهوردیخان حاکم لر کوچک (۷۳۴) قتل شاهزاده صفی میرزا (۸۵۲، ۸۵۱) قتل ذوالفقار خان (۸۱۲، ۸۱۱) قتل حاکم شیروان (۸۰۳-۸۰۴) قتل علی بیگ در فومن (۷۲۴) قتل عام اکراد در شهر مراغه در سال ۱۰۱۸ هجری قمری و قتل ۱۲ هزار خانوار در مدت چهار روز (۸۲۵-۸۲۲) قتل فرهادخان فراملنو حاکم هرات در سال ۱۰۰۸ هجری قمری (۷۴۵-۷۴۶) قتل عام رومیه در شهر تبریز (۷۶۹، ۷۶۸)

در جای جای متن می‌توان به نام بسیاری از مکان‌ها برخورد کرد که نه در کتاب‌های همعصران مؤلف به آن‌ها اشاره شده و نه امروزه اثری از آن نام‌ها در دست است. امروزه می‌توان با کمک این اسامی که گاه‌ها در برخی موارد دارای توضیحاتی نیز است به مکان‌یابی تاریخی در عصر صفوی پرداخت

مؤلف آشنایی خوبی با مکان‌های جغرافیایی در منطقه ایران و نیز مناطق مرزی ایران با همسایگان خود از جمله روم (عثمانی)، عراق، افغانستان، منطقه ارمنستان و گرجستان و آذربایجان (که البته امروزه از ایران جدا گردیده است) همسایگان ایران داشته است

میرزا حسن

الاسلام بلخ (۲۴۹) دارالمرز گیلان (۳۱۵، ۶۱۹) دارلسلطنه بلده طیبه قزوین (۶۷۴) دارالملک گیلان (۷۲۲) دارلسلطنه هرات (۴۰۶) ثغر عراق (۳۹۳) دارالملک استرآباد (۳۸۹) دارلسلطنه اکره (۴۸۶، ۴۰۹) دارلسرور اشرف. شهر نجف اشرف (۹۰۱) دارملرز طبرستان (۷۷۶) دارالمرز گیلانات و استرآباد و آذربایجان (۷۳۲) دارالمؤمنین سبزوار (۷۳۰) دارلسلطنه اصفهان (۴۰۹، ۱۸۱) بلده طیبه تبریز (۸۳۶) صاحب همدان (۳۷۸) حاکم اصفهان (۳۷۸) خاکم رشت (۴۳۷) والی شیراز (۳۷۸) و الی کوهکیلیویه (۴۲۵) والی گیلان (۴۳۷) والی فومن (۴۳۶) امارت تبریز (۴۱۸) تیولدار مشهد (۳۷۸) عتبات، تعمیرات (۸۹۸) شماخی، ساخت مناره و مسجد (۵۴۳) شولستان و فومن (۷۳۶) بش بارماق، محلی در اطراف شهر قم (۲۶۶) گوگ گنبد، محلی در ری (۴۲۳) بحیره سلماس، در اطراف شبستر که گویا نام دیگر دریاچه ارومیه فعلی بوده است. این دریاچه در هر منطقه به‌نامی خوانده می‌شده از جمله بحیره اورومی و بحیره مراغه و بحیره سلماس که شهرهای پیرامون این دریاچه هستند. (۷۸۶) خرم‌آباد سیلاخوری (۷۲۸) ولایت ارسبار (۷۹۳) جزیره بحرین، که آن‌زمان جزو سرزمین ایران بوده است و از مناطقی بوده که سوار و چریک و یساق برای سپاه شاهی را تأمین می‌کرده است. (۷۲۲) انزل (۷۸۴) از مناطق کردنشین آذربایجان / بلده زگم (۸۴۷) گویا در آذربایجان. طبرسران، نام محلی بوده است در آذربایجان. (۸۱۲) گیلانات، که میرساند ناحیه گیلان در آن‌زمان به چند ناحیه تقسیم می‌شده. (۸۳۸)، آستارا کوه، نام بردن از ملوک حاکم در منطقه آستارا کوه. (۱۱۷) رودخانه جغتو، در حوالی مراغه (۸۲۲) رودخانه آچی جبال شاهقه، در منطقه آذربایجان. (۸۲۵) زنگانه رود و قزل اوزن، که اوبماق (منزلگاه ایل مقدم بوده است. (۸۲۳) کوتل شبلی، در منطقه سراب. (۸۷۰) موضع هژده پل، در تبریز (۶۲۸) شنب غازان، در تبریز (۸۷۰) عمارت رشیه تبریز (۸۳۸) ده برون، در توس (۶۹۸) خراسان، که مؤلف حدود آن را از جیحون تا سمنان ذکر می‌کند (۲۹۶) راه ری - گوگ گنبد - فیروز کوه (۲۷۳) کلیسای آلودر، در گرجستان (۸۴۸) شعب بوان، در فارس (۸۷۲) بحیره کورگولی، که قلعه‌ای در میان آن بوده است. در منطقه آذربایجان (۱۹۶) چمن اشکنبر لگزی، در قره داغ آذربایجان (۸۲۱) دارالمرز گیلان و مازندران (۸۸۵) دارالمرز طبرستان (۷۷۶) گیلان فومن که از نواحی گیلانات محسوب می‌شده است (۸۵۱) مملکت فارس، که مؤلف حدود آن را از ابرقوه تا ساحل دریای فارس ذکر می‌کند (۶۷۹) جلفا، شرح مؤلف از

الابواب، تعمیر قلعه (۸۰۹) قلعه قراقخان، در گرجستان (۸۹۴) قلعه هرات، تعمیر برج و باروری قلعه در عهد شاه طهماسب اول (۳۸۹) قلعه مشاخ، که دارای سه سور یا دیوار دفاعی بوده است. (۸۹۷) قلعه بر ساح بحیره سلماس (۸۰۸-۸۲۷) ساخت قلعه جنب باغ نقش جهان اصفهان (۷۱۳) قلعه لارجان، در مازندران (۷۲۸) قلعه، در بند ریشهر (۴۸۰) قلعه فیروز کوه، در مازندران (۱۷۶-۱۷۵) حصار غجدوان (۲۶۳) قلعه سلاسل شوشتر (۵۱۳) قلعه‌وان (۷۷۹) قلعه شوشتر (۷۲۹) قلعه قبله، در باکو (۱۳۲) و بسیاری از قلعه‌های دیگر، که در برخی موارد به تعداد سپاهیان موجود در قلعه‌ها و نیز آلات دفاعی چون توپخانه و تفنگ و غیره اشاره کرده است.

ب - نام بردن از بیلاقات و استراحت‌گاه‌های شاهی

بیلاق آق اولنگ (۳۱۴) النگ سهند و سولان (۳۱۸) چمن و بیلاق لار (۷۲۷، ۷۰۵، ۳۱۴) لنگ خرقان (۵۱۵، ۳۰۸، ۲۲۸) بیلاق خرقان (۴۸، ۳۸۶) بیلاق زاوه (۵۹۳)، رباط خشت پخته (۵۹۵) النگ کهدستان (۲۷۰) النگ ساوه (۴۹۳) چمن فارسجین ابهر (۴۰۴، ۴۰۳) چمن بسطام (۶۱۹) النگ سلطانیه (۳۱۰، ۱۹۲) النگ بسطام (۲۷۵) بیلاق کالپوش در جرجان (۲۵۵، ۲۷۵) النگ رادکان (۲۷۶) بیلاق طارم (۱۹۲) بیلاق قصق در تقلیس (۸۴۴) چمن اشکنبر لگزی در قراداغ (۸۲۱) بیلاق یارو جایه (۱۲۶) منزل سلطان بلاغی (۲۳۰) چمن و بیلاق قراجیوق بر ساحل و بحیره مراغه (۸۲۳) النگ اوچان در تبریز (۸۲۱، ۷۶۸، ۱۶۰، ۷۶۶) چمن خوی (۷۶۳) مقام حرزویل (۳۸۴) چمن ساوجبلاغ (۴۱۶، ۳۸۶) چمن سلطانیه (۳۸۱، ۳۸۶) بیلاق گوزل دره (۳۸۷) بیلاق سیلاخور (۴۱۲) بیلاق دریوک (۴۳۸) بیلاق گندمان در اصفهان (۸۷۴، ۴۱۰) کهیز النگ (۱۸۶) بیلاق سریق و تخت سلیمان (۱۹۰)

ج: نام بردن از برخی مناطقی جغرافیایی و اختصاصات آن‌ها، القاب شهرهای مهم و نیز عناوین حاکمان شهرهای ایران در آن زمان

دارملک شماخی (۵۴۳) بلده طیبه همدان (۳۱۴) دارالعباده یزد (۷۰۸) دارملک شیراز (۷۰۸) دارلسلطنه قزوین (۵۷۱) دارملک اصفهان (۷۱۴) دارلسلطنه تبریز (۴۷۱-۴۶۹، ۴۱۵، ۲۹۱، ۳۲۲) دارالمؤمنین قم (۴۸۴، ۴۰۲) دارالفضل شیراز (۲۹۳-۲۱۹) دارالارشاد اردبیل (۶۵۰، ۲۲۷) قبه

عمارات جلفا و آذربایجان (۷۷۲) راه باب الابواب و دربند (۵۵۹) معبر قویون اولومی در آب کر (۷۹۸)، فرح‌آباد، بهشهر مازندران که از بناهای شاه عباس اول صفوی است (۸۸۴ و ۸۹۲) کوه اقری داغی در ولایت ارمن (۵۳۸) موضع دربند آهنین (۲۵۹) راه قهستان به قندرها ۸۸۰ بیلاق ترجان و صحرای ارزنجان محل شکار (۱۵۹) راه ساوه - فراهان - کوره رود - مزار سهل علی (۳۱۴) آب بهریز، بین دجله و فرات (۸۹۸) ده برون در توس (۶۹۸) راه مغاره طبس گیلکی (۸۷۸) مروچاق مرورود (۷۵۶) اصفهان، پایتختی و ساخت عمارات دریاری (۷۶۲-۷۵۸)

شکارهای شاهانه

از جمله ویژگی‌های کتاب روضه‌الصفاء شرح مربوط به شکارهای شاهانه و شکار چرگه‌ی شاهان صفوی خصوصاً شاه عباس و شاه اسماعیل است که نسبتاً دقیق وصف شده است. البته نمی‌توان به انگیزه این عمل پی برد و این‌که این‌گونه شکار جانوران و پرندگان برای چه صورت می‌گرفته است.

با توجه به منابع مکتوب و موجود هیچ نمونه‌ای از این‌گونه شکار جانداران در هیچ سلسله تاریخی ایران و از هیچ پادشاهی سراغ نداریم. شکارهایی که بنابر دلایل عقلی حتی با توجه به محدوده زمانی خاص آن دوران؛ هیچ توجیهی برای آن نمی‌توان قایل شد. و گویا همین شکارهای بی‌رویه یکی از علل اساسی نبود جانداران وحشی در پهنه کشور ایران با این وسعت کنونی است. شکارهایی که نه می‌توانسته برای مصرف غذایی مردم مورد استفاده



قرار گیرد با توجه به منع مصرف گوشت حیوانات وحشی بنابر اصول دینی، و فرض بروز قحطی و خشکسالی هم با واقعیات وفق نمی‌کند.

علاوه بر این اجبار مردم به شرکت در این شکارهای چرگه، مجازات کسانی که از این عمل سرباز می‌زدند، سادیسیم در کشتن حیوانات با سلاح‌های ابتدایی و سلاح‌های آتشین، و در مواردی ساخت کله منار از سر حیوانات نگون بخت نمونه‌ای بارز از ویژگی‌های برخی شاهان دوره صفوی است.

در مورد این شکارها و آمار و ارقام شکارها که بیشتر مربوط به عهد شاه اسماعیل اول صفوی و شاه عباس اول صفوی است چنین می‌خوانیم:

۱- شکار چرگه منطقه چال سیاه (دلیرجان) در اصفهان. عهد شاه اسماعیل اول صفوی. تعداد شکار ۱۵۰۰۰ رأس مؤلف روضه‌الصفویه چنین می‌نویسد: «... پس لوای کشور گشایی به صوب شکارگاه برافراخت و در منزل چال سیاه پیوسته گور بسیار و آهو و نخجیر بی‌شمار و سایر جانوران از سباع و ارناب و ثعالب پای بند دام تقدیر گردیدند و به ضرب تیغ و تیر پادشاه جهانگیر و اعظام امر و قور چیان پانزده هزار جانور، که اکثر آن گور بود به قتل و ذبح رسیدند. (۳۰۷)

۲- شکار چرگه در منطقه ساوه - همدان. صحرای اسفرنجان. آهو - نخیر - گور - گوزن. تعداد شکار نامعلوم. عهد شاه اسماعیل اول صفوی. (۳۱۳)

۴- شکار چرگه در منطقه خراسان صحرای اوچ تپه. عهد شاه عباس اول سال ۱۰۲۷ هجری قمری. مدت یک‌ماه، تعداد ۳۲۰۰۰ رأس

مؤلف در این باره چنین می‌نویسد: «... پس از آن هوای صید و شکار. تماشای جبال و قفار از باطن خجسته مآثر شهریار روزگار سرزده فرمان قضا جریان صادر گردید که از اقصای ولایات طوس، قوچان، راتکان، نساء، راندن و رهانیدن جانوران وحشی از جبال و قفار اشتغال نموده... به جهت تأکید و مبالغه بر هر ولایتی حاکم آن‌جا را معین گردانیدند که عامه خلاق را بدان کار باز داشته نگذارند که به تعطیل اوقات صرف نمایند... تا وحشیان بر محیط رباط در عرض یک فرسخ تا یک فرسخ... محیط گردیدند. در آن حال فرمان همایون صادر گردید که اگر احیاناً از طرفی جانوری به خروج میل نماید و آن شخصی که در آن طرف مقیم باشد بر رجوع وی اقدام نماید به انواع عقوبت مواخذه گردد... بعضی از وحشیان را به درون رباط رانده داغ‌بندی و آزادی بر سرین و ران گذاشته اطلاق فرمودند و بقیه وحوش و جانوران را به صید نمودن سپاه و مقربان درگاه حواله داشتند... چون صید و شکار بر نهج مسطور به انجام رسید... محاسبان ذی‌مهارت را به اعداد مأمور گردانیدند. از حاضران صیدگاه استماع افتاد که شش هزار آهو و غزال به داغ پادشاه فریدون فال مزین گردانیده بودند و بیست هزار وحشی دیگر عرضه تیر و تیغ و سنان گردیده بودند. از سباع مثل ارناب و ثعالب و سباع و ذباب و خنازیر شش هزار از حلیه حیات عاری گشته بودند. کسانی که به راندن وحشیان اشتغال نموده بودند صید ایشان به شماره درنیامده که مجموع سی و دو هزار جانور در آن عرصه به شمار آمده است...» (۷۶۵-۷۶۳)

۵- شکار چرگه منطقه صحرای اسفرنجان. عهد شاه اسماعیل اول

متن چاپی کتاب بسیار خوب به چاپ رسیده است و تصحیح کتاب به نحوی مناسب صورت گرفته و توضیحات لازم برای لغات مشکل در متن ارایه شده است. نیز مصحح محترم در پیش‌گفتار خود در مورد اثر و مؤلف و کیفیت کار تصحیح توضیحات کافی را داده است

میرزا حسن

اوزبک در طوس و خراسان (۲۷۲) ضرب سکه جشن نوروزی در بلده طیبیه قم (۳۱۲) کوچ ارامنه خلفا به اصفهان از شهر نخجوان (۷۷۱-۷۷۶) سخن از سرمای بی‌سابقه در منزل سلطانیه و پاه جستن پنج هزار نفر در قبه ضریح سلطان محمد خدابنده (مقبره سلطانیه امروزی) در سال ۹۴۰ هجری قمری (۴۲۴)

سخنی درباره متن چاپی کتاب حاضر

متن چاپی کتاب بسیار خوب به چاپ رسیده است و تصحیح کتاب به نحوی مناسب صورت گرفته و توضیحات لازم برای لغات مشکل در متن ارایه شده است. نیز مصحح محترم در پیش‌گفتار خود در مورد اثر و مؤلف و کیفیت کار تصحیح توضیحات کافی را داده است. در مورد ضمایم کتاب هم باید گفت که فهرست سالشماری که برای رجوع به وقایع تاریخی تنظیم شده بسیار مناسب و قابل استفاده باری مراجعان است. از نقایص کار مصحح به سه زمینه می‌توان اشاره کرد:

۱- درج فهرست مندرجات کتاب در انتهای متن چاپی؛ که بهتر می‌بود این فهرست به ابتدای کتاب اضافه می‌شد. ۲- مصحح در صفحه ۳۴ پیش‌گفتار سخن از تعلیقات و توضیحات برای متن کرده، اما در متن جای چنین اضافاتی را نمی‌بینیم. ضمناً فهرست منابع و مأخذ آورده شده هم گویا مربوط به سال‌شمار وقایع تاریخی کتاب است. ۳- فهرست اعلام که برای کتاب تنظیم شده فهرستی جامع نیست و با توجه به اختلاط موضوعات اسامی، اماکن، قبایل و طوایف، اصطلاحات و غیره این نقصیه نمود بارزتری یافته است. واژه‌هایی که در این فهرست می‌آورد جدا از ترتیب الفبایی معمول، ترتیب الفبایی به همان صورتی که در متن آمده است را نیز اضافه می‌کرد. نیز در بخش اعلام اشخاص اضافه توضیحات برای صفحات در فهرست اعلام باعث ایجاد یک آشفتگی در فهرست اعلام کرده و این فهرست را به نوعی کتابنامه تبدیل کرده است.

هر چند تنظیم‌کننده این فهرست برای هر مدخل توضیحات لازم را داده است (و در مواردی اندک هم این کار صورت نگرفته است)، ولی در نهایت مناسب‌تر این بود که فهرست با توجه به موضوعات از هم تفکیک شده و ضمناً فهرستی جامع و بدون نقص فراهم می‌آمد تا برای مراجعان زمینه استفاده سهل‌تر و بهتری فراهم می‌آمد.

سال ۹۱۷ هجری قمری تعداد ۲۴۰۰۰ رأس. (۲۶۶)

۵- شکار جرگه منطقه ساوه. عهد شاه اسماعیل اول. آهو و نخجیر تعداد نامعلوم. (۳۰۸)

۶- شکار جرگه منطقه شبانکاره

مؤلف در این باره چنین آورده است: «... هوای صید و شکار جبال شبانکاره از خاطر خطیر خسرو و اقلیم گیر سرزده به جمع کردن هر حیوانی که از خواص نخجیران پلنگان است همت والا نهاد برگماشت... بعد از انقضای زمان ممتد آن مقدار وحوش و سیاع جمع آوردند که نطق منطقه البروج از احاطه آن کتاهی گرفت. آن‌گاه صاحبقران با اقتدار داخل قوروق گشته عنان بادپای صبا رفتار را به عزم انداختن صید حرکت داده تا هنگامی که خواهش طبیعت فردوس نزهت‌ش ملالت پذیرفت بسیاری از آن جانوران به ضرب تیغ و تیز سنان به چراگاه عدم روان گردانید. (۲۱۹) ۷- شکار جرگه منطقه دشت فراهان. عهد شاه اسماعیل اول ۹۱۷ هجری قمری. تعداد ۵۷۰۰۰ رأس.

مدت ۱۲ شبانه روز نخجیر - آهو - گوزن - گرگ - ارناب - ثعالب - روباه - پلنگ - خرگوش - گور (۲۵۴-۲۵۳)

۸- شکار جرگه در منطقه ساوه و تفرش در دو نوبت - عهد شاه اسماعیل اول - تعداد مجموعاً ۳۱۰۰۰ رأس. نخجیر - آهو - گور - وحوش و سیاع (۲۵۴)

۹- شکار جرگه در منطقه عراق کهبیز النگ. عهد شاه اسماعیل اول صفوی. سال ۹۱۰ هجری قمری. نخجیر - شیر - آهو - پلنگ - بوز - گرگ - روباه - ارناب - خوک - خرس - گور و ساخت مناره سر حیوانات. تعداد ۲۶۷۰۰ رأس (۱۸۸-۱۸۵)

ذکر برخی حوادث

اولین تاج‌گذاری شاه عباس اول در ظاهر نیشابور و ضرب سکه در سال ۹۸۹ هجری قمری (۶۱۴-۶۱۳) قحطی در جنابذ و خوردن گوشت مرده‌ها (۶۹۵) طاعون و وبا در دارالسلطنه تبریز (۵۰۰) خرابی مشهد مقدس در حمله اوزبک (۶۸۵-۶۸۷) سرمای سلطانیه (۴۲۵) قحطی حبوبات در محروسه ساوه (۲۷۳) زلزله قهستان و مرگ سی هزار نفر در سال ۹۵۷ هجری قمری (۵۳۰) خواب استاد تاج‌دوز در پادشاهی شاه اسماعیل (۱۵۸) ساخت میدان اصفهان و پایتختی (۷۱۴) ضرب سکه و خطبه عبید خان